

## امکان‌سنجی مؤلفه‌های دل‌بستگی و توسعه پایدار در طراحی فضاهای مسکونی نمونه موردی: شهر تبریز

مریم ستار پور<sup>۱</sup>، محمدرضا بمانیان\*<sup>۲</sup>، حمیدرضا صارمی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

۲- استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

### چکیده

دل‌بستگی به مکان و حس تعلق دارای رابطه نزدیک و تنگاتنگ هستند که افراد نسبت به مکان دارند. این رابطه که از آن به‌عنوان رابطه عاطفی نیز تلقی می‌شود، با خاطرات، تجربیات اشخاص مرتبط است. دل‌بستگی عمل جمعی را تسهیل کرده، مشارکت را افزایش داده و مشوق سرمایه‌گذاری است. همچنین فرصت مناسبی جهت رشد و توسعه اجتماعی مکان‌ها را فراهم می‌سازد. در حقیقت دل‌بستگی عامل تمایز مکان‌ها نسبت به همدیگر است. بعلاوه دل‌بستگی موجب تبدیل فضا به مکان‌های حسی و رفتاری برای افراد می‌شود. در گذشته فضاهای شهری و معماری از توانایی بالایی برای برقراری تعامل بین انسان و محیط برخوردار بودند. اما امروزه اغلب فضاهای موجود فاقد هویت و معنا بوده و صرفاً تقلیدی از سایر نمونه‌ها می‌باشند این تهدید و غفلت در فضاهای مسکونی نمود بیشتری دارد. از این‌رو هدف از انجام این پژوهش، سنجش دل‌بستگی و در فضاهای مسکونی می‌باشد. روش تحقیق مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی بوده که جامعه آماری، ساکنان مجتمع‌های مسکونی نصر، آسمان، رشدی است که حجم نمونه آن بر اساس فرمول کوکران ۲۰۰ نفر به دست آمده است. نتایج بیانگر آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری بین مؤلفه‌های مورد مطالعه وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که متغیر کالبدی تنها متغیری بوده است که توانسته است تنها به صورت مستقیم بر دل‌بستگی تأثیر بگذارد، در حالی که متغیرهای اجتماعی و فرهنگی هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم بر متغیر دل‌بستگی تأثیر گذاشته اند که در این بین بیشترین تأثیرات غیر مستقیم را متغیر فرهنگی داشته است.

کلید واژه‌ها: فضای مسکونی، دل‌بستگی، حس مکان، تبریز.

## مقدمه

فضا و به دنبال آن فضاهای شهری در برگزیده فضاهای مسکونی هستند که نقش تعیین‌کننده در جلوه و منظر شهر به عهده دارند. فضاهای شهری در زندگی اجتماعی نقش حیاتی دارند و مردم و سکونتگاه‌های انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (خاک زند و آقابزرگی، ۱۳۹۳). فضاهای مسکونی ترکیبی از دارای مشاعات و فضای باز، سیستم حرارتی و تهویه مشترک و فضای خصوصی داخل واحد مسکونی می‌باشد (معصومی، میرخطیب، ۱۳۹۶). واحد مسکونی، مکان، فضا و یا محوطه‌ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی (شارع عام یا شارع خاص) راه داشته باشد. فضاهای مسکونی سنتی راهکارهای عملیاتی در بومی‌سازی، برای ارتقا کیفیت محیطی در راستای ایجاد دل‌بستگی در ساکنین، از وظایف مهم محققین و طراحان می‌باشد. نوع دیگر فضاهای مسکونی، مجتمع‌های مسکونی است که لینچ (۱۹۶۰) اثبات کرده، ساختمان‌های بلندمرتبه تحت عنوان نشانه‌های شهری، یکی از عناصر پنج‌گانه خوانایی در شهرها هستند (فیضی، ۱۳۹۱). یکی از رسالت‌های طراحان و معماران خلق رابطه‌ای متناسب بین انسان‌ها و کالبد اطرافشان است. برای نیل به این هدف خالقان فضا باید درک صحیحی از رفتار انسان در محیط‌های متفاوت داشته باشند، به نحوی که پیوند انسان و مکان را قوی‌تر سازند (طیبی و مسرور، ۱۳۹۴). نگاهی به فرایند برنامه‌ریزی شهری کشور و پژوهش‌ها انجام شده در این زمینه در چند دهه گذشته و نتایج عینی و ملموس آن نشان می‌دهد که این طرح‌ها از پاسخگویی به نیازهای کیفی در محیط - های شهری بازمانده‌اند و عملاً به نتایج قابل قبولی دست نیافته‌اند. ارزیابی ساکنان از محیط‌های سکونتی‌شان می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش دستیابی به اهداف و ارزیابی میزان موفقیت هر طرح شهری مطرح شود. خانه‌های امروزی با امکانات و شرایط زندگی موجود، قابلیت پاسخگویی به بسیاری از نیازمندی‌های انسان سنتی ایرانی را ندارند. بریدن از ارزش‌های حاکم بر جوامع سنتی مبتنی بر ارتباط مستحکم با طبیعت و تعاملات اجتماعی در درازمدت منجر به نارضایتی می‌گردد. کیفیت محیط سکونت پس از برآورده کردن نیازهای اساسی انسانی، نقش مهمی را در ایجاد دل‌بستگی ساکنین به مجتمع و نیز ایجاد هویت فردی و اجتماعی و همچنین مشارکت ساکنین آن‌ها در فعالیت‌های مرتبط با مکان، دارد که عدم توجه به آن باعث بروز مشکلات متعدد در این زمینه می‌شود. یکی از راه‌های طراحی باکیفیت محیط سکونت، با ارزیابی محیط‌های سکونتی پس از استفاده و تحلیل نظر کاربران و ارائه نتایج کاربردی امکان‌پذیر است. طراحی مسکن به صورت انبوه معمولاً تنزل در کیفیت را به همراه دارد. با توجه به تحولاتی که در طراحی مسکن رخ داده است، مشخص نیست که این تحولات توانسته باشد حس دل‌بستگی به مکان به محیط مسکونی را محقق نماید. تحقیقات نشان داده‌اند که کیفیت و ویژگی‌های محیط کالبدی می‌تواند پاسخگوی توقعات و نیازهای مردم نیز باشند. با توجه به تفاوت‌هایی که در طراحی فضاهای مسکونی وجود دارد به نظر می‌رسد که تمرکز بر طرح کالبدی مسکونی سنجش دل‌بستگی به مکان و نقش طرح‌های مختلف کالبدی بر حس مردم نسبت به محل سکونت خود را تأمین نماید. بین طرح کالبدی فضای مسکونی و حس

مکان دل‌بستگی به مکان ساکنین رابطه مثبت وجود دارد. این رابطه به صورت عاملی ادراکی با ایجاد علاقه برآورده شدن نیازها و انتظارات بر ساکنین تأثیر می‌گذارد. با توجه به تعریف مکان طرح کالبدی یکی از عوامل محیطی مؤثر در حس دل‌بستگی به مکان است. طرح کالبدی فضاهای مسکونی با القاء تصاویر ذهنی و زیبایی و با تسهیل تعاملات اجتماعی، فعالیت‌ها و ایجاد رضایت‌مندی در ساکنین بر شکل‌گیری نسبی دل‌بستگی به مکان مؤثر است. در پژوهش‌های اخیر سنجش کیفیت محیط سکونتی، یکی از مؤلفه‌هایی که به آن پرداخته می‌شود، سنجش دل‌بستگی به مکان سکونت است (Bonaiuto et al, 2006)، که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در ارزیابی محیط‌های سکونتی است. توجه به ادبیات موضوع دل‌بستگی به مکان نشان می‌دهد که دل‌بستگی، خود مفهومی مستقل با مؤلفه‌های مرتبط است که توجه به آن به عنوان یک موضوع مستقل می‌تواند در راستای کیفیت بخشی به محیط‌های سکونتی بسیار مؤثر باشد. از سویی دیگر، مفهوم کیفیت محیط سکونت در نخستین اجلاس هیئات سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۶ و به دنبال بروز و گسترش بحران در جنبه‌های مختلف زندگی شهری و زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی مطرح شد (عزیزی، رحمانی ۱۳۹۳).

هدف از انجام این پژوهش، امکان‌سنجی مؤلفه‌های فضاهای مسکونی با رویکرد توسعه می‌باشد که در آن از متغیرهای اجتماعی، کالبدی و فرهنگی استفاده شده است

## ادبیات پژوهش

### مکان و فضا در معماری و شهرسازی

فضای انسان-ساخت، شبکه‌ای پیچیده از روابط متنوعی است که نه تنها بین افراد با همدیگر، بلکه بین افراد و مکان‌ها نیز رخ می‌دهد (پرتوی، ۱۳۸۸). مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنی باشد. این تعریف به صورت «مکان=فضا+معنی» بیان می‌شود (آی‌شم و میرغلامی، ۱۳۹۵). مکان، بخشی از فضا است که از طریق انسان شخصی سازی شده است؛ یعنی زمانی که ارتباط انسان و فضا مبتنی بر تجربه‌ای برای انسان باشد، فضا به مکان تبدیل می‌شود. این ارتباط بدین معنی است که مکان یعنی یک بخش از تجربه محیطی و همراه با همگرایی شناختها (Stedman, 2003). به عبارت دیگر، مکان، فضای ویژه‌ای است که با معنا و ارزش‌های کاربران پوشش داده شده است؛ و در تقابل با فضا، رابطه مؤثرقوی بین شخص و یک قرارگاه ویژه را بیان می‌کند (Raymond, et al, 2017). ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارند و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیتهای اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکان شان شرکت می‌کنند (Strzelecka et al, 2017).

### دل‌بستگی به مکان

ابعاد مختلف دلبستگی به مکان به طور کلی در تعریف ابعاد دلبستگی به مکان دو دیدگاه غالب زیر وجود دارد

الف - دیدگاه اول:

در این دیدگاه زمانی به یک موضوع دلبستگی پیدا می‌کند که از یک طرف بتواند نیازها و انتظارات خود را پاسخ دهد که شامل بعد عملکرد دلبستگی به مکان است (Scannell and Gifford, 2010). این بعد به برآوردن نیازها و اهداف فردی اشاره دارد و از طرف دیگر با الگوهای ذهنی ساخته شده خود هماهنگ باشد که به بعد عاطفی اشاره دارد که این بعد با تعامل حسی انسان و مکان و نقش آن در هویت فردی در رابطه بوده بعد عاطفی ضمن ایجاد حس دلبستگی و معنا بخشیدن به زندگی فرد سبب بروز رفتارهای پاسخگو در قبال مکان می‌گردد (Lewicka, 2011).

ب - دیدگاه دوم:

این دیدگاه دلبستگی به مکان را با دو بعد وابستگی به مکان و هویت مکان تعریف می‌کند که وابستگی به مکان نیز شامل سه بعد است:

۱- توانایی پاسخگویی به مکان نیازهای فرد

۲- تأثیرات حسی در رابطه با مکان

۳- میزان تجارب قبلی فرد از مکان. (Rollero, 2010).

عوامل مؤثر در شکل‌گیری دلبستگی به مکان مطالعات انجام شده در زمینه دلبستگی به مکان به عوامل مختلفی در این رابطه اشاره می‌کند که می‌توان به نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی (Chen, 2018) عوامل کالبدی (Hidalgo, 2001) عوامل زمینه‌ای عامل زمان و عوامل فعالیتی و تعاملی اشاره کرد.

۱- عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی

بر این اساس دلبستگی به مکان با چند عامل بیان می‌شود:

الف) در تبیین ویژگی‌های فردی و نقش آن در نحوه تعامل با مکان به عوامل مختلفی چون:

جمعیت‌شناسی، نوع رابطه فرد با مکان؛ نحوه‌گزینش مکان؛ مدت اقامت؛ و سبک زندگی اشاره کرد.

ب) در مورد ویژگی‌های فرهنگی می‌توان به میزان اشتغال به شبکه‌های اجتماعی و تعاملات فرهنگی اشاره کرد که مبتنی بر مشارکت مردم در مکان اشاره کرد.

ج) ویژگی‌های اجتماعی به نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین. عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن مکان است حس مثبت از ارتباطات اجتماعی، دنیایی برای فرد خلق می‌نماید که دل‌کندن از آن، وی را دچار تشویش می‌کند (Fried, 2000).

۲- عوامل کالبدی

نقش بعد کالبدی مکان بر دلبستگی به مکان اشاره مستقیم دارد به وجود تسهیلات و خدمات، نوع سازمان دهی، نحوه دسترسی، ترکیب هندسی و تزئینات و نهایتاً به رضایتمندی از مکان منجر می‌شود.

۳- عوامل زمینه‌ای

موقعیت قرارگیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون، زمینه و بستر عواملی هستند که تأثیر فراوانی در دل‌بستگی به مکان دارد.

#### ۴- عامل زمان

در روند شکل‌گیری دل‌بستگی به مکان عامل زمان نیز دخیال دارد. طول مدت آشنایی افراد با یک مکان، میزان استفاده از آن و طول مدت سکونت در آن عاملی است که گاه بدون توجه به سایر ابعاد سبب بروز دل‌بستگی به مکان در افراد و گروه‌ها می‌گردد (Toit, 2013).

گوناگونی تعاریف مرتبط با دل‌بستگی به مکان یکی از مشکلات اصلی محققین در این زمینه است به طوری که نویسندگان زیادی به این مسئله اشاره کرده‌اند (Williams, 2003). به طور کلی دل‌بستگی با مکان به عنوان یک عامل مؤثر مثبت برای پیوند مردم و مکان‌های خاص تعریف می‌گردد. به صورت عمده دل‌بستگی به مکان از دو رویکرد قابل بررسی می‌باشد که در قالب پدیدارشناسانه و روان‌شناسانه قابل تفکیک می‌باشد (جداول ۱ و ۲).

جدول ۱- مهم‌ترین نظریات پدیدارشناسان در خصوص دل‌بستگی به مکان

اندیشمندان	نظریه
توان (۱۹۷۷)	دل‌بستگی عمیق به مکان از طریق موضوعاتی ساده چون آشنایی با مکان، با ضمانت رشد و امنیت همراه با خاطراتی از بوها و صداها از فعالیت‌های مشترک و روابط دوستانه‌ای که در طول زمان شکل می‌گیرد ایجاد می‌شود.
ادوارد رلف (۱۹۷۶)	تجربه مکان با توجه به درجات گوناگونی از درون بودن و در بیرون بودن در هفت سطح توصیف‌شده که این سطوح در ارتباط با مکان‌های متفاوت برای مردم مختلف، هویت‌های گوناگونی را شکل می‌دهد و تجارب انسانی به کیفیت‌های گوناگونی از معنا و احساس دست می‌یابند. لذا دل‌بستگی عمیق به مکان در سطوح درونی‌تر تجربه مکان شکل می‌گیرد.
دیویدسیمون (۱۹۷۶)	وی دل‌بستگی به مکان را یکی از ابعاد یک ساختار زنده جامع به نام مکان و تجربه مکان دانسته و در دیدگاهی تولیدی، دل‌بستگی به مکان را نسبت به شش فرایند مکان (۱- اثر متقابل مکان ۲- هویت مکان ۳- خلق مکان ۴- غنی‌سازی مکان ۵- فهم مکان ۶- رهاسازی مکان توصیف می‌نماید. در یک مکان مناسب تمامی این شش فرایند وجود دارند و در یک دادوستد قدرتمند و پیچیده در ارتباط می‌باشند که غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد.

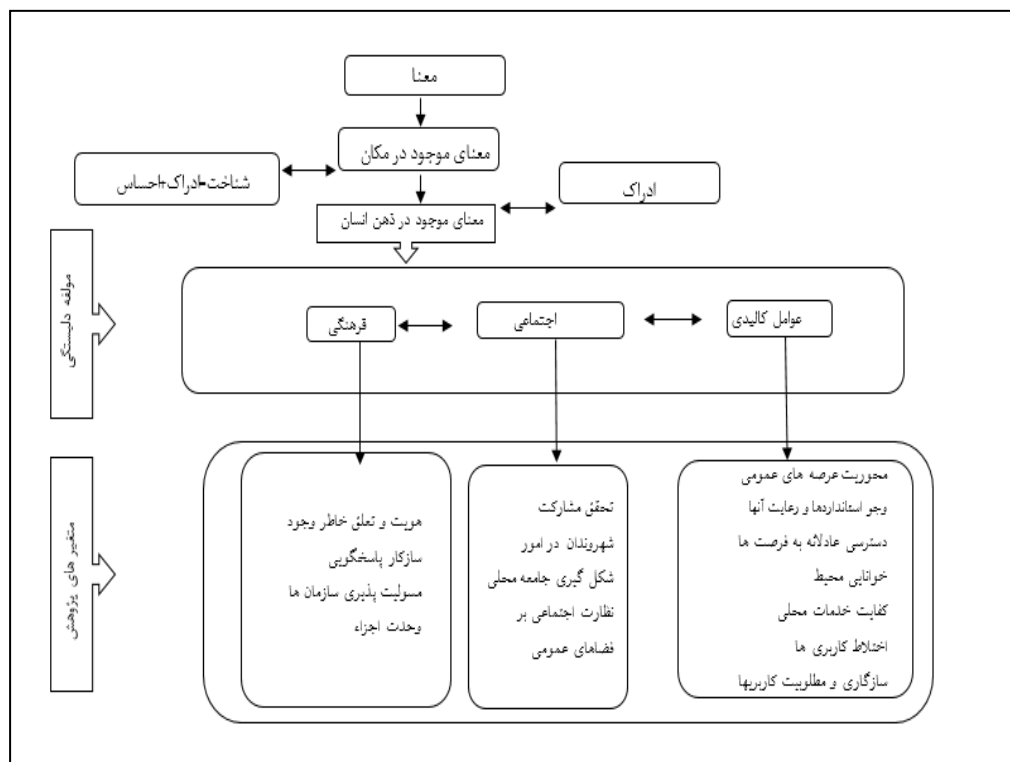
جدول ۲- تعریف دل‌بستگی به مکان از دیدگاه روانشناسان

نظریه پرداز	تعریف دل‌بستگی به مکان از دیدگاه روانشناسان	اهمیت در تاریخ مطالعه دل‌بستگی به مکان
استوکولز و شومیکر (۱۹۸۱)	آن‌ها از واژه وابستگی مکانی نام بردند و از آن به عنوان یک رابطه احساسی مثبت بین افراد و محیط سکونتشان می‌باشد.	اولین تعاریف دل‌بستگی به مکان
شومیکر و تیلور (۱۹۸۳)	دل‌بستگی به مکان، یک رابطه احساسی مثبت بین فرد و محیط سکونت آن می‌باشد و ۲ بعد رضایت مکان و دل‌بستگی به آن را شامل می‌شود.	اولین تعریف چندوجهی از دل‌بستگی به مکان

<p>اولین کتاب در خصوص دل‌بستگی به مکان</p> <p>تعاریف گوناگون در رابطه با دل‌بستگی به مکان</p>	<p>آلتمن و لاو: دل‌بستگی به مکان مفهومی پیچیده است که از جنبه‌های مختلفی از احساسات بین فرد و مکان تشکیل شده است که به تعریف فرد و گروه از خود و نیز فرهنگ می‌انجامد. علاوه بر این، ابعاد و کیفیت‌ها و خصوصیات غیرقابل تفکیک دارد و از بخش‌های مستقل و مؤلفه‌های جدا از هم تشکیل نشده است لذا با این رویکرد با دیدگاه‌های جامع‌نگر مانند پدیدارشناسی همخوانی دارد و شامل مؤلفه‌های ذیل می‌شود:</p> <p>۱- فرایند دل‌بستگی (شناخت، احساس، رفتار) ۲- مکان که در مقیاس، خصوصیات و قابل لمس بودن (واقعی، اسطوره‌ای، مجازی، تخیلی و ...) متفاوت است. ۳- بازیگران متفاوت (فرد، گروه، فرهنگ) ۴- انواع ارتباطات اجتماعی (فردی، گروهی، فرهنگی) ۵- اتفاقات وابسته به زمان (خطی، گردشی)</p>	<p>آلتمن و لاو (۱۹۹۲)</p>
<p>از محققین برجسته دل‌بستگی به مکان</p>	<p>یک احساس مثبت بین یک فرد و یک مکان خاص می‌باشد که ویژگی آن تمایل برای ماندن فرد در کنار آن مکان است.</p>	<p>هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۱)</p>
<p>ارائه مدل جامع دل‌بستگی به مکان</p>	<p>دل‌بستگی به مکان احساسی است که بین افراد و محیط معنادارش اتفاق می‌افتد.</p>	<p>اسکنل و گیفورد (۲۰۱۰)</p>
<p>ارائه مقاله مروری جامع در خصوص دل‌بستگی به مکان و بیان نقاط ضعف پژوهش‌ها وابسته به آن</p>	<p>دل‌بستگی به مکان به احساساتی در قبال مکان اطلاق می‌شود که شامل احساس تعلق، تمایل به نزدیک بودن به مکان و آرزو به برگشتن به مکان زمانی که فرد از دور از آن می‌باشد.</p>	<p>لویکا (۲۰۱۱)</p>

با توجه به مطالب ارائه شده در این پژوهش در ارتباط با دل‌بستگی به مکان و مجتمع مسکونی نمودار زیر به‌عنوان مدل مفهومی پژوهش بیان می‌شود.

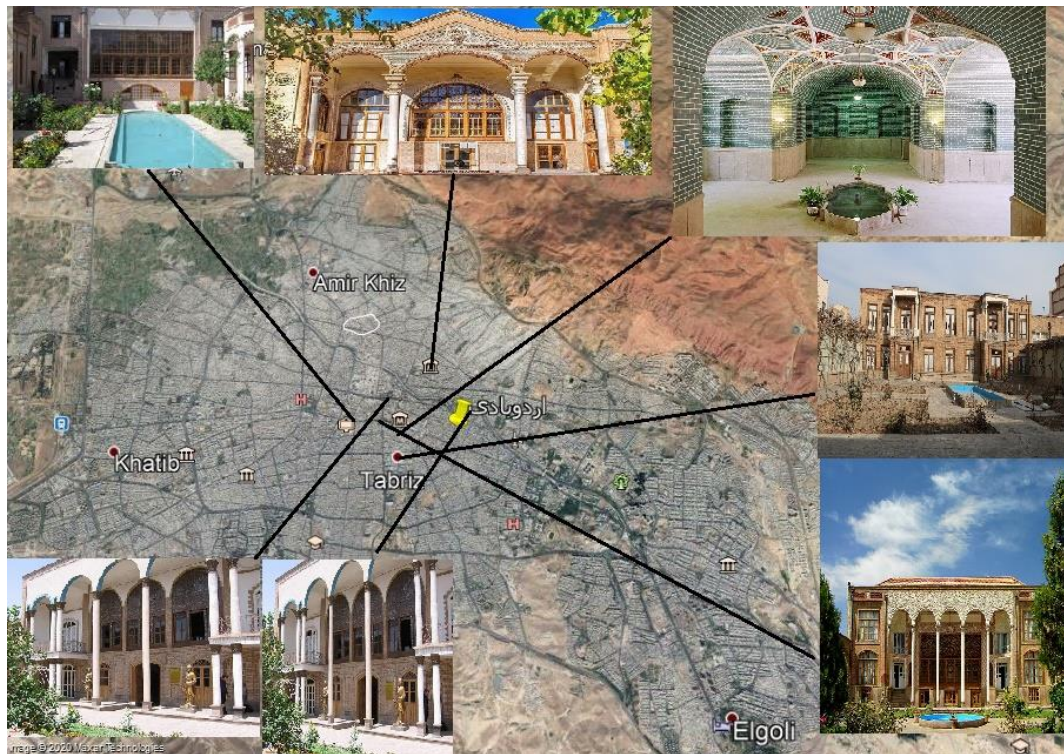
دل‌بستگی به مجتمع مسکونی مبین احساس ذهنی (درونی) مثبت افراد نسبت به فضای باز مجتمع مسکونی است که از پیوندهای عاطفی، شناختی و رفتاری با مکان مسکونی ناشی می‌شود و موجب تعهد ساکنان به محل سکونت و تمایلشان به حفظ رابطه با آن در طول زمان و در مراحل مختلف زندگی می‌شود.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

#### - موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه:

شهر تبریز کمابیش در میانه سرزمین تاریخی آذربایجان در جلگه مرتفع تبریز قرار دارد. وسعت شهر حدود ۱۴۰۰۰ هکتار است که حدوداً تمامی فضای بستر طبیعی شهر را در بر گرفته است. توسعه شهر تبریز از طریق ایجاد بازارچه‌هایی در امتداد دروازه‌های هشت گانه قدیمی صورت گرفته است. با پوشش فواصل بازارچه‌ها توسط واحدهای مسکونی، سیمای شهر فعلی در قرن گذشته شکل گرفته است و اکنون نیز این سیما را می‌توان در محلات قدیمی شهر کاملاً مشاهده نمود هرچند خیابان‌کشی‌های جدید بافت تاریخی و سنتی را از بین برده است. با وجود اینکه تبریز جزو ۶ شهر اصلی که دارای مرکزی تاریخی و فرهنگی دارند، محسوب می‌شود؛ ولی با این وجود امروزه ساخت‌وسازهای غیرمجاز در بافت تاریخی تبریز مشاهده می‌شود که ادامه این روند، شهر تاریخی تبریز را با بحران بی‌هویتی دچار خواهد کرد.



شکل ۲- محدوده شهر تبریز

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

## مواد و روش‌ها

با انجام مصاحبه با ساکنین، نکات موردنظر آن‌ها در خصوص فضای باز استخراج گردید و پرسشنامه اولیه حاصل گشت. سپس مفهوم بودن سؤالات پرسشنامه بر روی ساکنین موردبررسی قرار گرفت و پس از اصلاح اولیه آن، تعداد ۲۰۰ پرسشنامه بر روی ساکنان رشديه، نصر و باغمیشه اجرا شد تا پرسشنامه تهیه‌شده در خصوص دل‌بستگی به مکان و عوامل اثرگذار بر آن، مورد ارزیابی و اعتبار یابی قرار گیرد. به‌منظور تعیین حجم نمونه از جدول تعیین حجم نمونه مورگان استفاده شده است. بر این اساس، تعداد ۲۰۰ نفر نمونه برای مجموعه ساکنان رشديه، نصر و باغمیشه تعیین شده است. به منظور انتخاب و تأمین حجم نمونه از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و طبقه‌ای استفاده شده است. به این ترتیب با در نظر گرفتن طبقاتی از سنین مختلف، تحصیلات مختلف و جنسیت اقدام به انتخاب نمونه به‌صورت تصادفی شده است. بررسی دل‌بستگی به مکان و عوامل اثرگذار بر آن، با استفاده از پرسشنامه صورت گرفته است. طیف پاسخگویی به‌صورت لیکرت در ۴ درجه خیلی کم (امتیاز ۱) تا خیلی زیاد (امتیاز ۴) می‌باشد. به‌منظور سنجش پایایی ابزار از ضریب آلفا کرونباخ استفاده شده است. ضرایب آلفا که بالاتر از ۰.۷ است، حاکی از پایایی ابزار است. به‌منظور بررسی روایی پرسشنامه از چند روش بهره گرفته شده است. روایی صوری ابزار توسط اساتید، کارشناسان تأمین شده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در محیط نرم افزار SPSS از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون  $t$  و تحلیل مسیر استفاده شده است.

جدول ۳- مشخصات عمومی پاسخ دهندگان نخبگان و کارشناسان

گروه های مشخصات عمومی	کل میانگین	فراوانی کل
میانگین سنی (سال)	۳۷.۵	۲۰۰



۴۸	۲۸.۶	کارشناسی	تحصیلات
۵۹	۳۶	کارشناسی ارشد	
۹۳	۳۵.۴	دکتری	

### یافته‌های تحقیق

در این پژوهش ۱۵ مولفه در قالب ۳ متغیر (کالبدی، اجتماعی و فرهنگی) استفاده گردیده است. جدول ۴ مولفه‌ها و متغیرها و میانگین آنها نشان می‌دهد.

جدول ۴- آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
هویت و تعلق خاطر	۴.۰۷	۰.۹۴	۰.۰۸۸
محوریت عرصه‌های عمومی	۳.۷۱	۱.۲۸	۰.۱۱۹
تحقق مشارکت شهروندان در امور	۳.۵۹	۱۹.۱	۰.۱۱۱
شکل‌گیری جامعه محلی	۴.۰۲	۱.۰۵	۰.۱۴۱
نظارت اجتماعی بر فضاها عمومی	۲.۱۷	۱.۱۵	۰.۱۰۷
دسترسی عادلانه به فرصت‌ها	۳.۴۱	۱.۰	۰.۱۰۱
خوانایی محیط	۳.۷۱	۰.۹۹	۰.۰۹۲
کفایت خدمات محلی	۴.۲۵	۰.۷۳	۰.۰۶۹
اختلاط کاربری‌ها	۴.۴۱	۱.۱۸	۰.۱۱۴
سازگاری و مطلوبیت کاربری‌ها.	۳.۸۲	۰.۸۸	۰.۰۸۳
تناوب بصری	۴	۰.۹۹	۰.۰۹۳
کاربرد عناصر بومی و نمادین	۴.۸	۰.۸۴	۰.۰۷۹
تنوع بصری	۳.۹	۱.۴۵	۰.۱۳۶
سازگاری بصری	۳.۹۸	۰.۹۶	۰.۰۸۹
وحدت اجزاء	۴.۱۵	۰.۷۹	۰.۰۷۴
آزمون خی دو		۵۰۲.۵۲۶	
درجه آزادی		۱۵	
سطح معناداری		۰.۰۰۰	

جدول ۴ نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به مولفه اختلاط کاربری‌ها است که میانگین این مولفه برابر با ۴.۱۵ و همچنین کمترین مقدار میانگین مربوط به مولفه نظارت اجتماعی بر فضاها عمومی برابر با ۲.۱۷ است. جدول ۵ سطح معناداری را برای مولفه‌های دل‌بستگی با احتمال ۹۵ درصد نشان می‌دهد. همانطوری که در جدول مشخص است چون برای تمامی مولفه‌ها سطح معناداری از ۰.۰۵ کمتر است تفاوت مناداری بین مولفه‌های مورد استفاده در این پژوهش وجود ندارد و این متغیرها از همبستگی بالایی برخوردار هستند.

جدول ۵- سطح دل‌بستگی در مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه

متغیر	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
-------	---------	------------	--------------	-----------------------

حد پایین	حد بالا				
۱.۴۶	۱.۴۳	۰.۰۰۰	۱۹۹	۱۷.۰	هویت و تعلق خاطر
۰.۶۷	۱.۱۶	۰.۰۰۰	۱۹۹	۷.۸۵	محوریت عرصه های عمومی
۱.۱۱	۱.۲۹	۰.۰۰۰	۱۹۹	۱۴.۱۳	تحقق مشارکت شهروندان در امور
۰.۶۳	۰.۹۱	۰.۰۰۰	۱۹۹	۸.۴۵	شکل گیری جامعه محلی
۰.۷۱	۱.۱۸	۰.۰۰۰	۱۹۹	۱۴.۷۲	نظارت اجتماعی بر فضاهای عمومی
۰.۹۳	۱.۲۴	۰.۰۰۰	۱۹۹	۱۳.۰۷	دسترسی عادلانه به فرصت ها
۰.۲۱	۰.۶۱	۰.۰۰۰	۱۹۹	۳.۰۸	خوانایی محیط
۰.۱۶	۰.۶۷	۰.۰۰۰	۱۹۹	۳.۲۴	کفایت خدمات محلی
۱.۰۳	۰.۷۱	۰.۰۰۰	۱۹۹	۸.۶۸	اختلاط کاربری ها
۰.۷۴	۱.۳	۰.۰۰۰	۱۹۹	۱.۲۹	سازگاری و مطلوبیت کاربریها
۰.۶۳	۱.۱۷	۰.۰۰۰	۱۹۹	۶.۵۴	تناوب بصری
۰.۸۰	۱.۱۶	۰.۰۰۰	۱۹۹	۱۰.۲۶	کاربرد عناصر بومی و نمادین
۰.۲۹	۰.۷۱	۰.۰۰۰	۱۹۹	۴.۲۶	تنوع بصری
۱.۱۱	۱.۳	۰.۰۰۰	۱۹۹	۱۵.۲۵	سازگاری بصری
۰.۳۱	۰.۵۶	۰.۰۰۰	۱۹۹	۴.۲۶	وحدت اجزاء

### ارزیابی همبستگی میان مولفه های دلبستگی

یکی از ابزارهای مناسب جهت تحلیل میان متغیرها، ضریب همبستگی پیرسون است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. ضریب همبستگی پیرسون از روش های پرکاربرد جهت تعیین میزان رابطه بین دو متغیر محسوب گردیده و با علامت نشان داده می شود.

جدول ۶- همبستگی مولفه های پژوهش

فرهنگی	اجتماعی	کالبدی	مؤلفه	
۰.۲۳۸	۰.۴۲۸	۱	Correlation Coefficient	کالبدی
۰.۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	Sig. (۲-tailed)	
۰.۴۷۱	۱	۰.۴۲۸	Correlation Coefficient	اجتماعی
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	Sig. (۲-tailed)	
۱	۰.۴۷۱	۰.۲۳۸	Correlation Coefficient	فرهنگی
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	Sig. (۲-tailed)	

۰۰۰.	۰۰۰.	۰.۱۷۲	Sig. (۲-tailed)	
------	------	-------	-----------------	--

برای تعیین متغیرهای مؤثر در فضاهای مسکونی از تحلیل رگرسیون چند گانه مدل (Enter) استفاده شده است. جدول ۸ نشان می‌دهد، مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۰.۶۷۹، اشاره به همبستگی ساده بین دو متغیر دارد و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. همان طور که از این مقدار (همبستگی بین دو متغیر) نمایان است، بین دو متغیر همبستگی شدید وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تبیین بیانگر این است که متغیر فرهنگ شهروندی ۴۶.۱ درصد از تغییرات متغیر بهره برداری مؤثر را تبیین کند.

جدول ۷- خلاصه ای از نمای کلی مدل رگرسیون چندگانه

رگرسیون	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح خطای معیار تعیین
مدل اینتر	۰.۶۷۹	۰.۴۶۱	۰.۴۶	۰.۴۹۱

جدول ۹ نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به طور معناداری و مناسبی تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کند. حال با توجه به سطح معنی داری چون مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، بنابراین مدل رگرسیونی معنی دار است. (جدول شماره ۹).

جدول ۸- تحلیل واریانس رگرسیون به منظور قطعیت وجود رابطه بین متغیرها

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره f	معناداری
رگرسیون	۷۹.۰۰۶	۱	۷۹.۰۰۶	۳۲۷.۲۳۹	۰.۰۰۱
باقیمانده	۹۲.۲۲۷	۲۹۹	۰.۲۴۱		
کل	۱۷۱.۲۳۴	۳۰۰			

در مورد اهمیت و نقش متغیرها در پیش گویی معادله رگرسیون باید از مقادیر Beta استفاده کرد. بزرگ بودن مقدار Beta نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی مدل است. بنابراین از جدول ۱۰ می‌توان استنباط کرد که متغیر کالبدی های مدنی سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در پیش گویی متغیر وابسته دارند، بگونه ای که یک واحد تغییر در انحراف معیار کالبدی، باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر وابسته (پایداری فضای مسکونی) به اندازه ۸۵ درصد تغییر کند. به عبارت دیگر متغیر کالبدی تأثیرگذاری بیشتری بر بهره برداری از فضای مزلوب مسکونی داشته است و مقدار آن در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده است.

جدول ۹- متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون

متغیرها	ضرایب غیراستاندارد B	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد B	آزمون فیشر	سطح معناداری
ثابت (Constant)	۱.۵۸۱	۰.۱۱۲		-	۰.۰۰۱

فرهنگی	۰.۷۲۹	۰.۰۳۳	۰.۷۴۵	۴۷۵.۵۶۶	۰.۰۰۴
اجتماعی	۰.۶۲۷	۰.۰۲۵	۰.۷۸۵	۶۱۲.۲۸۴	۰.۰۰۱
کالبدی	۰.۸۵۴	۰.۰۲۷	۰.۸۴۷	۹۷۰.۹۵۸	۰.۰۰۵

### نتیجه‌گیری:

احساس دلبستگی به مکان عالی‌ترین مرتبه رابطه انسان و مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

به هر میزان که مکان بتواند پاسخگوی نیازها و انتظارات انسان باشد، دلبستگی او به آن مکان افزایش می‌یابد. در این راستا، گاه دلبستگی به مکان همانگونه که در ابعاد و صور گوناگون آن اشاره گردید؛ در حد برآورده ساختن نیازهای فردی و یا به عبارتی وابستگی به عملکرد می‌باشد و گاه فراتر رفته و به معناداری و این همانی با مکان می‌انجامد تا جایی که منجر به رفتارهای پاسخگو و متعدد در قبال مکان می‌گردد. زندگی در مجموعه‌های مسکونی بلندمرتبه جز لاینفکی در زندگی شهری مدرن امروزی به شما می‌رود. لذا وظیفه اصلی محققین و طراحان در این زمینه بهبود کیفیت فضاهای آن در راستای ایجاد آرامش برای آنان می‌باشد و چون ویژگی‌های مردم در هر منطقه منحصر به فرد است لازم است این پژوهش‌ها در هر کشور بومی‌سازی گردد. یکی از مواردی که می‌تواند نشان‌دهنده کیفیت این ساختمان‌ها باشد، میزان دلبستگی ساکنین به مجتمع می‌باشد که در دو بعد دلبستگی کالبدی و اجتماعی ساکنین بروز می‌نماید. دلبستگی به اجتماع ساکنین، متأثر از عوامل متعددی است که بخشی از آن به شکل کالبد مرتبط است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه‌های دلبستگی در رشديه، نصر و باغمیشه به ترتیب میزان مشارکت در انتخابات شوراهای شهر، میزان علاقه به مشارکت در طرح‌های شهری با سایر شهروندان و میزان علاقه به عضویت در تشکل‌ها و نهادهای شهروندی و همچنین کم‌تأثیرگذارترین این مؤلفه‌ها میزان اعتقاد به مشارکت اجتماعی همراه با خویشاوندان، میزان اعتماد به همسایگان و غریبه‌ها و میزان همکاری و همفکری در مسائل خانوادگی با خویشاوندان می‌باشند.

از طرفی متغیر کالبدی تنها متغیری بوده است که توانسته است تنها به صورت مستقیم بر دلبستگی تأثیر بگذارد، در حالی که متغیرهای اجتماعی و فرهنگی هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم بر متغیر دلبستگی تأثیر گذاشته‌اند که در این بین بیشترین تأثیرات غیر مستقیم را متغیر فرهنگی داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت متغیر کالبدی با بتای ۰.۷۴۲ تأثیر گذارترین متغیر بر دلبستگی است که به طور مستقیم تأثیر می‌گذارد و متغیر فرهنگی بیشترین تأثیر غیر مستقیم را بر روی دلبستگی دارد. متغیر فرهنگی با توجه به مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم بیشترین مقدار را که برابر با عدد ۱.۴ است را نیز به خود اختصاص داده است.

فارغ از عوامل کالبدی مؤثر بر دلبستگی، نکته موردتوجه دیگر، تأثیر پررنگ عوامل مدیریتی شامل مراقبت و نگهداری از مکان، عملیاتی کردن برنامه‌های منظم در خصوص مکان موردنظر و چگونگی بهره‌گیری از نظرات ساکنین در خصوص آن، در دلبستگی به آن مکان است، که خود نشان از پویایی دلبستگی به مکان و نیز فنون تخصصی مدیریتی این دست از مجتمع‌ها هست، که می‌بایست به صورت جدی موردتوجه قرار بگیرد.

## منابع:

- آیشم، م. و م. میرغلامی (۱۳۹۵). مدل ارزیابی حس مکان براساس مولفه های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی، نمونه موردی: خیابان امام ارومیه. / فصلنامه مطالعات شهری، ۵(۱۹): ۶۹-۸۰.
- پرتوی، پ. (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم توسعه شهری پایدار از دیدگاهی پدیدار شناختی، نامه معماری و شهرسازی، ۱(۲): ۱۹-۳۴.
- پیربابایی، م. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر عوامل فردی در مطالعه فرایندمحور دلبستگی به مکان با رویکرد روانشناسی شناختی (موردپژوهی: محله قره باغیها در تبریز). نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۱(۲): ۵۵-۶۸.
- خاک زند، آقابزرگی ک. (۱۳۹۳). سنجش مولفه های کیفیت فضای شهری با مقایسه تطبیقی رویکرد ایرانی - اسلامی و غربی، پژوهش های معماری سلامی، ۲(۱): ۱۳۱-۱۴۵.
- طیبی مسرور، ا. و رضایی موید. ص (۱۳۹۴). ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت های سکونتی در مجتمع های مسکونی، موردپژوهی: مجتمع های مسکونی شهر همدان، مدیریت شهری، ۱۴(۴۰): ۶۱-۷۹.
- عزیززی، م. م. و م. رحمانی (۱۳۹۳). ارزیابی کیفیت محیط در مجموعه های مسکونی اقبالار کم درآمد: مورد پژوهی مجموعه های مسکونی مهرشهر تاکستان. صفه، ۶۴(۲۴): ۶۱-۷۴.
- فیضی، م، اسدپور ع. (۱۳۹۲). ادراک شهروندان از منظر ساختمانهای بلند شهری نمونه موردی هتل چمران شیراز، مطالعات معماری ایران، ۲(۳): ۱۰۷-۱۲۱.



- Agnew, J. J. H. o. g. k. (2011). "Space and place." 2011: 316-331.
- Bonaiuto, M., et al. (2006). "Perceived residential environment quality in middle-and low-extension Italian cities." 56(1): 23-34.
- Chen, N. and L. J. J. o. T. R. Dwyer (2018). "Residents' place satisfaction and place attachment on destination brand-building behaviors: conceptual and empirical differentiation." 57(8): 1026-1041.
- Du Toit, J. L. and J. J. I. J. o. S. R. M. Mouton (2013). "A typology of designs for social research in the built environment." 16(2): 125-139.
- Fried, M. J. J. o. e. p. (2000). "Continuities and discontinuities of place." 20(3): 193-205.
- Hidalgo, M. C. and B. J. J. o. e. p. Hernandez (2001). "Place attachment: Conceptual and empirical questions." 21(3): 273-281.
- Holton, M. J. G. (2015). "Adapting relationships with place: Investigating the evolving place attachment and 'sense of place' of UK higher education students during a period of intense transition." 59: 21-29.
- Lewicka, M. (2011). "Place attachment: How far have we come in the last 40 years?" Journal of Environmental Psychology 31(3): 207-230.
- Low, S. M. and I. Altman (1992). Place attachment. Place attachment, Springer: 1-12.
- Masoomi, M. and a. mirkhatib (2017). "The Impact of Open Spaces Designing to Create place Attachment in Residential Complexes (Case study: sheshsad dastgah residential complexes in mashhad city) geographical researches quarterly journal." 32(3): 52-73.
- Raymond, C. M., et al. (2017). "Sense of place, fast and slow: the potential contributions of affordance theory to sense of place." 8: 1674.
- Relph, E. (1976). Place and placelessness, Pion.
- Rollero, C. and N. J. J. o. E. P. De Piccoli (2010). "Place attachment, identification and environment perception: An empirical study." 30(2): 198-205.
- Scannell, L. and R. J. J. o. e. p. Gifford (2010). "Defining place attachment: A tripartite organizing framework." 30(1): 1-10.
- Seamon, D. and J. J. K. t. i. h. g. Sowers (2008). "Place and placelessness (1976): Edward relph." 43-52.
- Shumaker, S. A., et al. (1983). "Toward a clarification of people-place relationships: A model of attachment to place." 2: 19-25.
- Stokols, D. J. C., social behavior, and t. environment (1981). "People in places: A transactional view of settings." 441-488.
- Strzelecka, M., et al. (2017). "Place attachment and empowerment: Do residents need to be attached to be empowered?" 66: 61-73.
- Tuan, Y.-F. (1977). Space and place: The perspective of experience, U of Minnesota Press.
- Williams, D. R. and J. J. J. F. s. Vaske (2003). "The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach." 49(6): 830-840.